



17 آبان 1402 شماره 29

مجله آنی

در این شماره خواهید خواند:

● آثار ترجمه شده و در دسترس از استاد گارون سرکسیان...

● تراژدی یونان، مانند نمایشنامه نویسی در انگلستان، از کجا سرچشمه میگیرد.

● آرتاشس اول و ایجاد حکومت متحد ارمنی

Հայկ Յովսէփեան



Կռունկ հեռուից ես գալիս...

فهرست



- 8.....مقدمه
- 9-12.....بزرگان شعر
- 13.....ادبیات جهان
- 15.....ادبیات ارمنی
- 16.....ادبیات ایران
- 17-19.....شعر شاعران
- 21.....حکایت ها
- 4-6.....تبلیغات
- 22.....موسیقی
- 26-31.....مصاحبه
- 25.....جامعه شناسی
- 23.....بهداشت دهان و دندان



طراح وبسایت: استاد داوود محمدکيا

esher.official@

دسته بندی موضوعی: ادبیات

دوره انتشار: هفته نامه

مدیر مسئول: آنیتا آرزومانیان

شماره: بیست و نهم

پست الکترونیکی:

Ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/aniletters

اینستاگرام:

[@anita_arzoomanian](https://www.instagram.com/anita_arzoomanian)

وبسایت:

www.aniletters.com

www.anipoetry.ir

تبلیغات

آلبرت آرستاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات گرانبها
،ساخت و تعمیر انواع ظروف و زیور آلات
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل فرمایید.

09190266552

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لثه و ایمپلنت

22019366

22019073

ادوین آرزومانیان

خرید، فروش و تعمیرات
تخصصی لپ تاپ و قطعات.
شماره تماس:

091001449966

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

ساخت انواع منسوجات نقره
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر تماس
حاصل فرمایید.

66710039

09195088536

- پلاتو فیزیکیال تئاتر فاریال یوگا و نمایش
- استودیوی ضبط موسیقی و آهنگسازی
- مجهز به فضای باز مجزا

محدوده کریمخان

تلفن تماس:

09369275228

جناب آقای دماوندی



تجربه حس خوب با اریال یوگا

کالری سوزی بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ کالری

افزایش انعطاف پذیری بدن

از بین بردن گرفتگی عضلات

تسکین فشارهای مفاصل و ستون فقرات

تقویت عضلات شکم، پهلو و کمر

افزایش حس حضور در محیط

آزاد کردن اندورفین

افزایش تعادل



mirela__art

Let's relax with
MIRELA

کریم خان



۰۹۳۶ ۹۲۷ ۵۲۲۸



@mirela__art

خطاط: علی ملک

از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر
یادگاری کردین کنس دو ارباب

ز تمام بودیم تو عین آن من باش
که بغیر ما تو بودنم آرزو ندارد
ز تمام بودیم ز ما یوین آن من باش

مدرس انجمن خوشنویسان ایران



Ali.malek.art

Solar System Model From the Bronze Era Found in Armenia



Archaeologists discovered the unique bronze model of the Solar system dated back 12-11th centuries BC in Sevan basin Armenia, in the 1950s. This is one of the oldest geocentric Solar system models preserved till nowadays.

One can find a diverse range of rock inscriptions and drawings of celestial bodies and stars all over the territory of Armenia. Astronomical petroglyphs were discovered on the Dzavakhk range of Sevsar mountain and Gegham mountains. These petroglyphs included ancient drawings of the Earth, hemispheres, the Moon, the Sun, and other celestial bodies.

One of the most amazing findings was the ancient model of the Solar system, discovered on the drained bottom of Lake Sevan, in Lchashen.

Lchashen is in the northern range of the Gheghama mountains. In the 1950s the level of waters in lake Sevan decreased. Therefore archaeologists were able to discover the ancient village there. Now it is one of the oldest archaeological memorials on the territory of Armenia. According to research, Lchashen originated 4,000 years BC.

This artifact, found in Lchashen, was made of bronze in 12-11th centuries BC. Nowadays it has become the symbol of the History Museum of Armenia.

مقدمه:

هر انسانی در طول تاریخ زندگی اش دوست دارد اثری از خودش برای آیندگان و در روزگاری که عشق را در آغوش شقایق ها تجربه میکند بر جای بگذارد، چرا که قطار عمر پر از ایستگاههایی است که وقتی برای ثانیه هایی می ایستند نسیمی از تجربه های جدید را بر ایمان به ارمغان می آورد. این اتفاقات گاه فانوس آزادی را روشن می سازند و گاه باعث کوچ غزل ها می شوند.

به نظر من هر انسانی اقیانوسی از فلسفه هایی ایست که افکارش بیانگر نوع دیدگاه ایست که مستلزم آن است درک شود.

مجله آنی نشان دهنده فرهنگ های متفاوت و پیوند آن ها با یکدیگر است، چرا که اثر هر هنرمند تلاطم درونی اوست که در معرض دید قرار می گیرد. امروز را باید دریابیم چرا که اساس آینده است.

بر همین اساس است که تصمیم گرفتم مجله آنی را بنا نهاده و پیوند دنیای خارق العاده ادبیات مثل مختلف را با روح انسان درهم آمیزم و چراغ و میراثی را اگر بتوانم در دنیای بی نظیر شعر بر جای گذارم.



شمس تبریزی

شمس الدین محمد بن ملک داد تبریزی، عارف معروف و مرشد مولانا جلال الدین بلخی است. ظاهراً در سال 585 ه.ق در تبریز به دنیا آمده است. میگویند که در ابتدا مرید ابوبکر سله باف تبریزی بود. شمس در شهرها می گشت و به دیدار بزرگان می رفت . او اولین بار در سال 642 ه.ق به قونیه رفت و با مولانا دیدار کرد.

مریدان مولانا به دشمنی با شمس برخاستند و شمس ناگزیر از قونیه رفت و در سال 643 ه.ق به قونیه بازگشت و سرانجام در سال 645 ه.ق (دوباره/1247 م) به دست گروهی شبانه کشته شد. از شمس اثری در دست نیست ، مریدان سخنان وی را که در مجالس مختلف بر زبان آورده، گردآوری کرده اند که این اثر به نام مقالات شمس تبریزی معروف است. شمس با این حکایت می خواهد که مقام و اهمیت سماع در نظر صوفیان را بیان کند. نمونه زیر از آن کتاب است:

{سماع}

شیخ گفت خلیفه منع کرده است از سماع کردن. درویش را عقده ای شد در اندرون و رنجور افتاد. طبیب حاذق را آوردند نبض او گرفت، این علت ها و اسباب که خوانده بود، ندید. درویش وفات یافت؛ طبیب بشکافت گور او را و سینه ی او را، و عقده را بیرون آورد؛ همچون عقیق بود. آن را به وقت حاجت بفروخت؛ دست به دست رفت به خلیفه رسید، خلیفه آن را نگین انگشتری ساخت؛ میداشت در انگشت. روزی در سماع ، فرو نگریست، جامه آلوده دید از خون. چون نظر کرد هیچ جراحتی ندید؛ دست برد به انگشتری ، نگین را دید گداخته. خصمان را که فروخته بودند باز طلبید، تا به طبیب برسید. طبیب احوال بازگفت:

ره ره چو چکید خون ببینی جائی پی برد که به چشم من برون آرد سر

بخش اول:
بزرگان شعر

Հայկ Յովսէփեան

Բանաստեղծ Հայկ Յովսէփեանը Իրանահայ գեղարւեստական գրականութեան հանրաձանօթ դեմքերից մէկն է, նրա ստեղծագործութիւնները սիրւած ու գնահատւած են թէ սփիւռքում եւ թէ հայրենիքում:

Նրա առաջին գիրքը հրատարակւեց 1966 թւականին Բէյրութում , որպէս Գ.Մելիտինեցի գրական առաջին մրցանակակիր, գիրքը պարունակում է հեղինակի «հարսի կոնդը» խորագրով պատմական պոէման:

Հեղինակի երկրորդ գիրքը «հատընտիր» խորագրով նա հրատարակեց 1969 թւականին Թեհրանում: Գրքի բովանդակութիւնը կազմում են նրա քնարական բանաստեղծութիւնները, ժողովրդական մոտիւներով գրւած տաղերը եւ պոէմաները:

Սոյն հրատարակութիւնը ,որ բանաստեղծի երրորդ հատորն է ,պարունակում է նրա հայրենասիրական :սիրային եւ զանազան ընկերային ու հասարակական նիւթերով բանաստեղծութիւնները ,ժողովրդական մոտիւներով մեղեդիներ ու ջանձաղիկի երգեր,ինչպէս նաեւ պոէմաներ,նոր ստեղծագործութիւնների հետ այստեղ նեռարւել են նախկին հատորում տեղ գտած գրւածքները ,անփոփոխ ,կամ վերամշակման ենթարկւած , պոէմաներից վերամշակման է ենթարկւել «Աղջկայ Քարը» պոէման, իսկ «Կոմիտաս» եւ «Մելիք Մովրով» պոէմաները նոր ստեղծագործութիւններ են, որ իրագործումի արդիւնքով ակնառու յաւելում են կատարում հեղինակի գրական վաստակի քանակութեան եւ որակի վրայ,Առաջինը արտացոլում է հայ ժողովրդի ազգային մարտիրոսութեան ճգնաժամային տառապանքների սուերները ,այլ եւ հերոսական խոյացումները ,իր հանճարեղ որդու անհատականութեան գեղարւեստականացւած տիպարով ,իսկ երկրրորդը....

Andrea Gibson

Andrea Gibson was born on August 13, 1975 in Calais, Maine. In 2008, Gibson won the first Women of the World Poetry Slam. They are the author of several poetry collections, including *You Better Be Lightning* (Button Poetry, 2021), *Lord of the Butterflies* (Button Poetry, 2018), *Pansy* (Write Bloody Publishing, 2015), *The Madness Vase* (2011), and *Pole Dancing to Gospel Hymns* (2010). They also edited *We Will Be Shelter: Poems for Survival* (Write Bloody Publishing, 2014), an anthology of poems that address social justice issues. Gibson lives in Longmont, Colorado.



ژان دو لافونتن



(زاده ۸ ژوئیه ۱۶۲۱ در شاتو-تیری، درگذشت ۱۳ آوریل ۱۶۹۵ در پاریس)، مشهورترین حکایت‌نویس فرانسه است که شعرهای بسیاری نیز سروده است. شهرت او بیشتر به دلیل نوشتن کتابی به نام حکایات است که گونه ویژه‌ای از حکایت‌نویسی را در کل اروپا ارائه کرد و سرمشقی برای دیگر نویسندگان فرانسه یا فرانسوی‌زبان بود. گوستاو فلوبر درباره لافونتن گفته است که او تنها شاعر فرانسوی پیش از ویکتور هوگو است که ساختار زبان فرانسه را به خوبی درک کرده است.

حکایات، اروس و پسوخته، جام جم، حکایات‌های لافونتن در رثای پریان قصر وو رویای وو، فلورانس، عشق‌های پسیشه، کوپیدون، افسانه‌های لافونتن، روستاییان دوناب

ترجمه به فارسی

«افسانه‌های لافونتن» در ایران نیز با سه ترجمه متفاوت عرضه شده است. «عبدالله توکل»، «احمد نفیسی» و «نیره سعیدی» (میرفخرایی) از مترجمانی هستند که در ایران به آثار نثر و منظوم این نویسنده فرانسوی پرداخته‌اند.

حکایت «روباه و زاغ» در کتاب درسی فارسی به نام سراینده‌اش حبیب یغمایی معرفی شده است، اما این شعر در واقع ترجمه منظوم حبیب یغمایی است از شعر شاعر فرانسوی قرن هفدهم یعنی ژان دو لافونتن، که البته در کتاب درسی به نام شاعر اصلی آن اشاره‌ای نشده است. ایرج میرزا و رشید یاسمی و امیری از اولین کسانی بودند که برخی از حکایت‌ها یا فابل‌های لافونتن را به نظم فارسی ترجمه کردند. نمونه‌هایی از این ترجمه‌ها در کتاب تاریخ ترجمه ادبی از فرانسه به فارسی ارائه شده است.

نمایشنامه
تراژدی

تراژدی یونان، مانند نمایشنامه نویسی در انگلستان، از مناسک مذهبی سرچشمه میگیرد. در جشنها گروه همسرایان مرد پوست بز می پوشیند (شاید برای اینکه چون ساتیرها جلوه کنند.) و به اجرای رقصها و ترانه ها دیتورامب به افتخار دیونوسوس، خدای شراب و باوری، می پرداختند.

در سالهای میانی سده ششم ق.م تسپس آتی، که به پدر نمایشنامه نویسی شهرت دارد، پاسخ دهنده (هوپوکریت) یا هنرپیشه ای را که به قطعات گفتاری همسرایی (کر) در خلال میان پرده های واقع در بخش های غنایی نمایش پاسخ داد، در قطعات نمایشی وارد کرد. بدین ترتیب، با گسترش این قسمتها و با اضافه شدن عناصر اساطیری تازه نمایش به وجود آمد. بعدها، آیسخولوس هنرپیشه دوم را در نمایش متداول کرد، و بدین گونه گفتگو (دیالوگ) در نمایش معمول شد. مدتی بعد هم، سوفوکلس هنرپیشه سوم را به صحنه آورد.

از آغاز پیدایی تراژدی تا روزگار اورپیدس، به همان نسبت که نقش هنرپیشه ها گسترش می یافت، اهمیت گروه همسرایان کاهش پیدا می کرد. شمار نفرات همسرا هم از 50 تن در زمان تسپس، به دوازده تا پانزده نفر در عصر آیسخولوس رسید؛ و در روزگار سوفوکلس گروه های پانزده نفری متداول شد.



ԳՈՎՔ ՀԱՅԱՍՏԱՆԻՆ

Դու ակունքն ես մարդկության
Արմատներդ արենական,
ԵՎ կնիքը հնության
Հայկյան նետով հաղթական:
Երկիր առաջին խաչի
Աստվածային հավատի,
Երկիր նախշած քարերի
Բանբերն առաջին գրերի:
Շրջիր երկրներ, աշխարհ,
Ոչ ո՛ք չունի սուրբ սար,
Ջերմ արև ես աննման՝
Դրախտավայր Հայաստան:

بخش سوم: ادبیات ارمنی

هدف آن استیلا بر حکومت های مستقل آسیای صغیر و قدم نهادن به اروپا بود. برای امن کردن جبهه، او تصمیم به اشغال ارمنستان گرفت. بزودی ارمنستان "هایک بزرگ" را اشغال کرد و آخرین "یرواند" را به قتل رساند، و بر سراسر ارمنستان کوچک و بزرگ (هایک کوچک و هایک بزرگ) مسلط شد و در آن ها ساتراپ هائی برگمارد. آنتیوکوس در سال 192 ق.م به روم حمله ور شد، لیکن ارزیابی او از قدرت دولت مقتدر شده روم آن زمان نادرست بود و با ناکامی مواجه گردید. روم پس از این پیروزی دست به ضد حمله زد و در سال 190 ق.م سپاه آنتیوکوس را منهدم کرد و او را با طعم شکست آشنا کرد. پیروزی روم بر سلوکیان باعث استقلال سرزمین های تحت سلطه سلوکیان، از جمله ارمنستان کوچک و بزرگ، گردید و در هر یک از آنها شاهان محلی قد علم کردند.

آرتاشس اول و ایجاد حکومت متحد ارمنی

در یک چنین لحظه تاریخی حساسی نقش بزرگی بر عهده پادشاه ارمنستان آرتاشس اول (160-189)

ق.م که یکی از چهره های برجسته سیاسی-نظامی ارمنه قدیم تاریخ ارمنستان است، نهاده شده بود. در سنگنوشته های به خط آرامی دوران این پادشاه، از آرتاشس اول به عنوان "شاه نیک فرزند زاده یرواندی" نام برده شده است.

آرتاشس اول با نسبت دادن خود به سلسله پیشین یرواندی، خود را با هخامنشیان خویشاوند اعلام کرد و بدین ترتیب حق سلطنت را برای خود مسحل کرد.

در قرن سوم قبل از میلاد حاشیه های سرزمین کوهستانی ارمنستان دیگر به اشغال مردمان ارمنی و ارمنی زبان درآمده بود، لیکن آنان همچنان به ماندن در زیر یوغ حکومت های غیر ارمنی ادامه میدادند.

بخش چهارم: ادبیات ایران

قصیده منوچهری تشبیب مفصلی داشت نخست وداع با معشوق و سپس سفر در بیابان تا به مدح برسد، اما تشبیب قصیده مسعود کوتاه تر است فقط سفر در بیابان را وصف میکند و آن گاه به مدح وزیر می پردازد. این موضوع به اضافه قوافی مشکل شعر منوچهری و قافیه آسان شعر مسعود سعد این نکته را به ذهن می آورد که شاید منوچهری راحتی بیشتری در سرندن شعر حس می کرده و احتمالا تسلط بیشتری در کلام منظوم داشته است، مخصوصا این که مانند مسعود سعد سلمان مقید به زبان تصویری (تسبیه و استعاره) و اعمال صنایع بدیعی نبود و در حقیقت هدف او منظوم کردن نثری بوده است. اما به لحاظ خود شعر، قصیده مسعود از سطح عالی تری برخوردار است. اگر در شعر منوچهری سادگی و بی پیرایگی و بدویت کلام و گاهی خشونت الفاظ خواننده را تحت تاثیر قرار می دهد، در شعر مسعود اعتلای زبان ادبی و استفاده از انواع صنایع ادبی و تخیل پیچیده و اقتدار در توصیف های هنری است که خواننده را مجذوب می کند. شعر منوچهری بیشتر به سبک خراسانی نزدیک است و شعر مسعود به سبک عراقی. شعر مسعود بیشتر از منوچهری نارد فضای درونی و ذهنی شده است. بیم و امید و حرص و قناعت را بیان میکند. اگر در شعر منوچهری فقط اسم ستاره آمده است در شعر مسعود سخن از همدلی و هم سخنی ستاره ها با شاعر است.

بخش پنجم:
شعر شاعران

فریده نورمحمدی (یگانه)

شاعر: فواد امینی
(رباعی)

گفتم دم مرگ، من دارم تب تو
گفتا همه آرزوی من هم، لب تو
گفتم نفست همیشه درمان من است
گفتا سیه است زلف من، چون شب تو



قسم به نامت
که هنوز
مقدس است
بارها نشستم
در ساحل دریاچه
گریستم شن ها را
و بدرقه کردم
پرستوهای مهاجر را
به دست خود بریدم
پای دل را
نه برای اینکه
جا مانده بودم
از کوچ چشمهایت
شکسته بود.

To the Harbormaster
Frank O'Hara

I wanted to be sure to reach you;
though my ship was on the way it got caught
in some moorings. I am always tying up
and then deciding to depart. In storms and
at sunset, with the metallic coils of the tide
around my fathomless arms, I am unable
to understand the forms of my vanity
or I am hard alee with my Polish rudder
in my hand and the sun sinking. To
you I offer my hull and the tattered cordage
of my will. The terrible channels where
the wind drives me against the brown lips
of the reeds are not all behind me. Yet
I trust the sanity of my vessel; and
if it sinks, it may well be in answer
to the reasoning of the eternal voices,
the waves which have kept me from reaching you.

Георгий Иванов

Упал крестоносец средь копий и дыма,
Упал, не увидев Иерусалима.

У сердца прижата стальная перчатка,
И на ухо шепчет ему лихорадка:

— Зароют, зароют в глубокую яму,
Забудешь, забудешь Прекрасную Даму,
Глаза голубые, жемчужные плечи...

И львиное сердце дрожит, как овечьё.

А шепот слышнее: — Ответь на вопросец:
Не ты ли о славе мечтал, крестоносец,
О подвиге бранном, о битве кровавой?
Так вот, умирай же, увенчанный славой!

Alba

Giorgio Caproni

**Amore mio, nei vapori d'un bar
all'alba, amore mio che inverno
lungo e che brivido attenderti! Qua
dove il marmo nel sangue è gelo, e sa
di rinfresco anche l'occhio, ora nell'ermo
rumore oltre la brina io quale tram
odo, che apre e richiude in eterno
le deserte sue porte?... Amore, io ho fermo
il polso: e se il bicchiere entro il fragore
sottile ha un tremitò tra i denti, è forse
di tali ruote un'eco. Ma tu, amore,
non dormi, ora che in vece la tua già il sole
sgorga, non dirmi che da quelle porte
qui, col tuo passo, già attendo la morte.**

Վահան Տերյան

Մոռանա՛լ, մոռանա՛լ ամեն ինչ,
Ամենին մոռանալ.
Զսիրել, չխորհել, չափս՛ ոսալ —
Հեռանա լ...
Այս տանջող, այս ճնշող ցավի մեջ,
Գիշերում այս անշող
Արդյոք կա՞ իրիկվա մոռացման,
Մոռացման ոսկե շող...
Մի վայրկյան ամենից հեռանալ,
Ամենին մոռանալ.—
Խավարում, ցավերում քարանալ
Մեն-միայն...
Մոռանալ, մոռանալ ամեն ինչ,
Ամենին մոռանա՛ լ...
Զսիրել,
չտենչալ,
չկանչել,
Հեռանալ...

زیبا مسگری نژاد
تکنیک خودکار رنگی
نام اثر: گل آفتابگردان



t.me/Art.elegant



بخش ششم: حکایت ها

کشتی رانی مگس

یک مگس بر پرکاهی که آن پرکاه بر ادرار خر، روان شده بود، نشست. مگس با غرور بر ادرار خر کشتی می راند و می گفت: من به علم دریانوردی و کشتی رانی آگاهم و تفکر بسیاری در این کار کرده ام. این دریا و کشتی را ببینید و نیز مرا ببینید که چگونه کشتی می رانم. او بر سر دریا در ذهن کوچک خود کشتی می راند. آن ادرار به عنوان دریای بی ساحل و آن کاه به عنوان کشتی بزرگ به نظرش می آمد، بدین دلیل که او آگاهی و بینش کمی داشت. جهان هر کس به اندازه ذهن و بینش اوست. در واقع آدم مغرور و کج اندیش مانند این مگس است که به اندازه درک ادرار الاغ و برگ کاه، عقل دارد.

زبان شان فرق می کرد ، هم را می زدند

روزی یک ترک، یک عرب، یک فارس و یک رومی به شهری وارد شدند و رهگذری درحال عبور دید که آن ها غریب و خسته شده اند و درهمی از سر لطف به آن ها داد. فارس گفت « با این پول، انگور بخریم.» عرب گفت « عنب بخریم.» ترک همگفت « اُرم بخریم.» و رومی اصرار داشت که « استافیل بخریم.» سرانجام با هم به توافق نرسیدند و از این رو به جان هم افتادند. دانشمندی به آن ها نزدیک شد که به هر چهار زبان آشنایی داشت. او به حرف هایشان گوش کرد و متوجه شد که هر چهار میخوانند یک چیز بخرند، به همین خاطر پولشان را گرفت و خودش برای آن ها انگور خرید. مولانا در این داستان، بعبارتی مردم را از قضاوت زود هنگام و بدون درک کامل از شرایط بر حذر می دارد و بعبارتی دیگر تأکید می کند بر نقش عالمان که میتوانند با کمک دانش و آگاهی، اختلاف نظرها را حل کنند.

بخش هفتم: موسیقی

اعضای گروه کر میترا از هنرجویان این هنرستان بودند. اولین باغچه بان در این زمینه گفته است:

تاسیس هنرستانی برای کودکان یتیم به من محول شد. پس به سراسر ایران سفر کردم. از 22 شهر و از بین 6000 کودک 200 نفر دختر و پسر را که گوش خوب و صدای زیبا داشتند انتخاب کرده و به تهران آوردم {...} صبح ها کلاس عادی و بعد از ظهرها کلاس کنسرواتوار برگزار میشد. بهترین اساتید ایرانی و خارجی را در اختیار گرفتیم {...} تا جایی که با گروه سی نفره در شهر وین با ارکستر سمفونیک رادیو وین رنگین کمان ثمین باغچه بان را ضبط کردند. به نظر من این بالاتری موفقیتی بود که توانستیم کسب کنیم.

شکل گیری کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان در خرداد 1348 یکی از اتفاقات سازنده در حوزه موسیقی کرال بود به همت سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران ایجاد شد.

آریان پور نوشته است: "در سال 1356 متجاوز از 538 هنرجو در پنجاه کلاس مختلف کارگاه، از جمله {...} آواز جمعی {...} به تحصیل اشتغال داشتند" در ادامه گروه کر هم آوازان رادیو تلویزیون ملی ایران به رهبری گلنوش خالقی در سال 1353 تاسیس شد. در کارگان (رپرتوار) این گروه اغلب آثار کلاسیک دیده می شد.

بخش هشتم: بهداشت دهان و دندان

تکنیک مسواک زدن charters

اساسا برای افزایش اثر بخشی و تحریک لثه ای در مناطق اینتر پروگزیمال معرفی شد، در مقایسه با تکنیک Stillman موقعیت سر مسواک بر عکس شده است. سر مسواک در یک جهت مایل قرار گرفته، به طوری که نوک به سمت سطح اکلوژالی یا انسیزالی جهت گیرند.

با یک فشار ملایم، الیاف خم شده و نوک آنها به آرامی وارد امبراژورهای اینترپروگزیمال می شود. سپس یک حرکت لرزشی-چرخشی جزئی به دسته اعمال شده، در حالی که موقعیت نوک الیاف روی سطح دندان حفظ میشوند. این روش به خصوص در موارد با پاپیلای اینتردنتال تحلیل رفته موثر است، زیرا پریستل ها به راحتی میتوانند به فضای بین دندانی و در بیماران ارتودنتیک نفوذ کند.



**If one bird carried every grain of sand,
grain by grain, across the ocean, by the
time he got them all on the other side,
that would only be the beginning of
eternity**

**Если я знаю, что знаю мало, я
добьюсь того, чтобы знать больше...**



بخش نهم: جامعه‌شناسی

با این حال فرانسه جدیدی که انقلابیون در نظر داشتند-جامعه‌ای با حقوق همگانی، برابری، دموکراسی همگانی، و انسان‌گرایی سکولار-مشوق بی‌نظمی اجتماعی بود. بر خلاف ایمان روشنگران، جامعه جدید نمی‌توانست بر اساس احکام خردی شکل بگیرد که قوانین و نهاد‌های اجتماعی و آرمانی را وضع میکند. جامعه گل‌کوزه‌گری نیست که بتوانیم آن را بنا به میل مان شکل دهیم. کنت به این نتیجه رسیده بود که این ایمان عقل‌گرایانه روشنگران بود که موجب شکست انقلاب فرانسه شد.

تغییر اجتماعی باید به سنن زنده کشور و فهم اصول نظم اجتماعی متکی باشد. فرانسه دچار بحرانی اجتماعی بود؛ کشور به دو قطب طرفداران تغییرات بنیادین و مدافعان نظم اجتماعی در حال زوال تقسیم شده بود. این ناشی از شرایط بی‌ناهایت بی‌ثباتی بود که در رفت و آمد فرانسه قرن نوزدهم میان جمهوریت، امپراتوری و سلطنت قابل مشاهده است. کنت در طول زندگی خود شاهد هفت رژیم سیاسی مختلف بود، از دولت مستعجل جمهوری گرفته تا بازگشت سلطنت و امپراتوری ناپلئونی. این آشوب اجتماعی صرفاً سیاسی نبود؛ فرانسه عمیقاً در حال صنعتی شدن بود که این خود فشارهای اجتماعی شدیدی بر جامعه عمدتاً کشاورزی آن وارد می‌کرد.

نخبگان اشراف و روحانی حاکم از سوی قشر نیرومندی از صاحبان صنایع و بانکداری به مبارزه فراخوانده می‌شدند که خود در معرض تهدیدات دهقانان، کارگران و صنعتگران ناراضی قرار داشتند. کنت آرزو داشت که راهی برای خروج از بن‌بست اجتماعی بیابد. او برنامه اصلاحات اجتماعی را طرح کرد که افق اجتماعی فرانسه در مسیر پیشرفت را نشان میداد.

بخش دهم: مصاحبه

بخش پایانی مصاحبه

آثاری که از شما ترجمه و در دسترس مخاطبان قرار گرفته را معرفی کنید.

- اجازه دهید این را به صورت مرتب شده و فهرستوار ارائه دهم. مشخصات همه کتاب‌ها را نیز می‌آورم. فهرست ترجمه‌های بنده چنین است:
- ◇ آگاتانگوس. تاریخ ارمنیان، تهران، نائیری، 1380 (چاپ دوم: 1397).
- ◇ کوریون. زندگی مسروپ ماشتوس، تهران، نائیری، 1381.
- ◇ ژاسمن اچیبگیان، ارمنستان و سلوکیان، تهران، نائیری، 1382
- ◇ ناردوس، آنا سارویان، تهران، نائیری، 1382.
- ◇ پاستوس بوزند. تاریخ ارمنیان، تهران، نائیری، 1383 (چاپ دوم: 1397).
- ◇ اسکندر اسکندریان و نورایر شاهنظریان، جنگ تحمیلی هشت ساله و ارمنه ایران، تهران، آلیک، 1384.
- ◇ نیکلای هوهانسیان، نسل‌کشی ارمنیان در پژوهش‌های تاریخ‌شناسان عرب، تهران، کتاب سیامک، 1387.

- ◇ لئون آهارونیان، روزهای طوفانی زندگی من، 2 جلد، تهران، ثالث، 1387.
- ◇ اوتیس پایازیان، اسناد سخن می‌گویند، کتاب سیامک، تهران، 1389.
- ◇ اسقف اعظم آرتاک مانوکیان، جشن‌های کلیسای ارمنی، تهران، نائیری، 1389 (چاپ دوم، 1395؛ چاپ سوم، 1400).
- ◇ واروژان وُسکانیان، پچیچه‌نامه، تهران، کتاب سیامک، 1394.
- ◇ گوهر اسکندریان، روابط ایران و آمریکا در 1942-1960، تهران، ثالث، 1397.
- ◇ گارنیک بادالیان، روزشمار روابط بیست ساله جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، 1397، (با همکاری تورج خسروی).
- ◇ گریگور آکرتسی، تاریخ تاتارها، قوم تیرافکن، تهران، نائیری، 1397.
- ◇ آریستاکس لاستیورتسی، تاریخ آریستاکس، تهران، نائیری، 1398.

برنامه شما برای تربیت شاگرد یا شاگردانی که بتوانند میراث ترجمه را حفظ و به نسل بعدی انتقال دهند چیست؟

برای آموزش فنی برنامه‌ای ندارم، اما همیشه می‌خواستم جمعی از مترجمان گرد هم آیند و گروهی حرفه‌ای برای تبادل نظر و انتقال تجربه به یکدیگر تشکیل دهند. این یکی از بهترین راه‌ها برای بالا بردن دانش و مهارت در ترجمه است.

از نظر شما فعالیت در حوزه ترجمه میتواند منبعی برای ارتزاق باشد؟

خیر. به هیچ وجه.

آثاری که از شما در دست ترجمه و تالیف است را بفرمایید.

در طول چهار دهه گذشته، آثار بسیاری ترجمه کرده‌ام که هر یک بنا به دلایلی هنوز چاپ نشده است.

◇ غازار پارپتسی، تاریخ ارمنیان و نامه به واهان مامیکونیان، تهران، نائیری، 1399.

◇ وارپت (برگزیده آثار منثور آوتیک ایسهاکیان)، تهران، نائیری، 1401.

◇ ماتئوس اورهایتسی، وقایع‌نامه، نائیری، 1402 (در دست چاپ).

◇ غیر از این کتاب‌ها، مقاله‌ها و یادداشت‌های بسیاری درباره مناسبات تاریخی و فرهنگی ایران و ارمنستان نگاشته که برخی از آن‌ها عبارتند از:

... تاریخ پاستوس و واژه‌های ایرانی به کار رفته در آن؛ دودمان گریگور مقدس، نخستین رهبران دینی ارمنستان؛ ارمنستان اشکانی در روزگار ایران ساسانی؛ «تاریخ» اسقف سبئوس و اهمیت آن در پژوهش تاریخ ایران؛ ارمنیان و انقلاب مشروطیت ایران؛ زبان ارمنی و اهمیت آن؛ آگاتانگوس، دریانورد دریای تاریخ؛ نام خلیج فارس در یک منبع ارمنی سده هفتم میلادی؛ آریستاکس لاستیورتسی روایتگر حمله سلجوقیان به ارمنستان؛ آنی شهر هزار و یک کلیسا؛ ایرانشهر بر پایه جغرافیای شیراکاتسی و غیره.

یکی نیاز به اصلاحات دارد، یکی هنوز کامل نشده، یکی نیاز به پانوشته‌های بیشتری دارد و غیره. یکی از این آثار، ترجمه «تاریخ تیمور لنگ و جانشینان او» نوشته توما متسویی مورخ سده 15م است. این ترجمه بطور کامل به پایان رسیده است و بزودی تحویل ناشر داده خواهد شد. کتاب بعدی «جغرافیای آناتیا شیراکاتسی» یا «جهان نما» است که ترجمه متن تمام شده و حدود هزار پانوشته نیز نوشته شده است، اما هنوز نیاز به پانوشته‌های بیشتر دارد. از کارهای ناتمام دیگر اثری است از سده 18م به نام «تاریخ پادشاه پارسی» که به تاریخ ایران و ارمنستان از اواخر عصر صفوی تا 1736م، یعنی به پادشاهی رسیدن نادرشاه افشار می‌پردازد. کتاب دیگر «درباره وارتان و جنگ ارمنیان» نوشته یغیشه مورخ سده 5م است که ترجمه و پانوشته‌های آن کامل است، فقط پیشگفتار مترجم نیاز به اندکی اصلاح دارد. کتاب «گل سرسبد تواریخ مشرق زمین» نوشته هتوم که در سال 1307م نوشته شده نیز در دست ترجمه است. متن اصلی این کتاب به زبان فرانسه قدیم است که بعداً به لاتین ترجمه شد و در 1840م به ارمنی ترجمه شد.

ترجمه فارسی من از روی متن ارمنی انجام شده، اما به سبب وجود مغایرت‌ها در ترجمه‌های فرانسه، لاتین، انگلیسی، ارمنی و چند زبان دیگر، همچنین نبود یک متن انتقادی پذیرفتنی، کار ترجمه فارسی را با دشواری روبرو کرده است. خوشبختانه اطلاع یافته‌ام که متن انتقادی فراگیر این اثر با مقایسه و برابری همه ترجمه‌ها و متون موجود در حال آماده شدن است. اگر این متن انتقادی منتشر شود می‌توان ترجمه فارسی را بر اساس آن ادامه داد و به پایان رساند. چنان که گفتم ترجمه اشعار آوتیک ایساکیان که حدود 45 سال پیش آغاز کرده‌ام هنوز نیاز به اصلاح و زیباسازی دارد و می‌خواهم در فرصتی مناسب (اگر دست دهد) به انجام برسانم.

درباره تالیف نیز باید بگویم کتابی در دست تالیف دارم که سال‌هاست روی آن کار می‌کنم و هنوز کار زیادی باقی است. این کتاب «تاریخ ایران ساسانی و ارمنستان بر اساس منابع ارمنی» نام دارد. می‌دانید که درباره تاریخ دوره ساسانیان کتاب‌های زیادی نوشته شده است. بارها پیش خود اندیشیده‌ام که این کتاب را برای چه می‌نویسم؟ آیا می‌توانم تاریخ آن دوره را بهتر از دانشمندانی که آثاری جاویدان درباره دوره ساسانی آفریده‌اند بنویسم؟

بی‌گمان خیر. چنین چیزی ممکن نیست. پس باید چه بنویسم؟

شما به دلیل فعالیت های گسترده و تاثیر گذاری که داشته اید از سوی نهادهای مختلفی در ایران و ارمنستان مورد تقدیر قرار گرفته اید برای مخاطبان مجله شرحی از این افتخارات را بیان کنید؟

جوایز دریافتی بنده در دو سطر زیر خلاصه می‌شود: دو لوح تقدیر از وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی در سالهای 1387 و 1400 برای ترجمه‌های انجام داده و فعالیت‌های فرهنگی. تقدیرنامه از کانون فرهنگی چوک به مناسبت روز جهانی داستان (سال 1400). جایزه ادبی کانتق از انجمن نویسندگان ارمنستان در سال 2021 (1400) برای ترجمه کتاب «تاریخ ارمنیان و نامه به واهان مامیکونیان» نوشته غازار پارپتسی تاریخ نگار سده پنجم میلادی. و تقدیرنامه‌ای ویژه از آقای آرا شاوردیان، نماینده ارمنیان شمال ایران در مجلس شورای اسلامی. البته در سال 2021 طی مراسمی که در انستیتوی شرق شناسی آکادمی علوم ارمنستان برگزار شد از بنده برای ترجمه‌های منابع تاریخی ارمنی قدردانی شد.

باید چیزی بنویسم که تکرار نوشته‌های دیگران نباشد و من به عنوان نویسنده کتاب در آن دیده شوم و جایگاه خودم را داشته باشم. و چون بنده با منابع تاریخی ارمنی آشنایی کامل دارم و این منابع دربرگیرنده گزارش‌های ارزشمندی از تاریخ ایران، بخصوص دوره ساسانی، است پس بیایم و تاریخ ارمنستان و ایران دوره ساسانی را بر اساس آگاهی‌ها و داده‌های منابع ارمنی بنگارم. یعنی به خوانندگان فارسی زبان نشان دهم که منابع ارمنی درباره این دوره چه می‌گویند، گزارش‌های آن‌ها چه تفاوتی با گزارش‌های منابع غیرارمنی دارد، درباره چه برهه‌های زمانی و کدام پادشاهان مطالب بیشتری نوشته‌اند و درباره چه دوره‌هایی گزارش‌هایی در دست نیست و خلاء مطلق است. گزارش‌های مربوط به دوره ساسانی این منابع را استخراج و دسته‌بندی کرده‌ام و باید مدتی روی آن‌ها متمرکز شوم و کار کنم تا بتوانم نگارش این کتاب را به پایان برسانم.

خاطره ای از فعالیت هایتان در
انجمن های ادبی که حضور داشتید
برای ما بیان کنید؟

هرکس از دستاورد خود و تاثیر آن انجمن بر آگاهی و دانش خود سخن می گوید و آن را به شیوه خود ارزیابی می کند. یکی می گوید با شرکت در آن محفل زبان ارمنی من بسیار پیشرفت کرد، دیگری می گوید با ادبیات ارمنی بیشتر آشنا شدم، یکی دیگر می گوید دستاورد من از شرکت در آن محفل آشنایی با ادیبان و نویسندگان بزرگ قرن نوزدهم و بیستم بود. وقتی از من می پرسند دستاورد تو چه بود، من به شوخی می گویم بزرگترین دستاورد من از شرکت در آن محفل ادبی چیزی است که حتی با گذشت نزدیک به چهل سال هر روز آن را می بینم و اهمیت آن را درک می کنم. دستاورد من همانا یافتن همسر آینده ام بود. یافتن کسی که همواره یاور و پشتیبان من بوده است. بله، این هم برای خودش خاطره ای است، البته با چاشنی شوخی و مزاح.

اجازه دهید خاطره ای را با تهمایه شوخی و مزاح عرض کنم. در سال های پس از انقلاب و اوایل دهه شصت من و جمعی از دوستان جوان و نوجوان محفلی ادبی داشتیم در یکی از انجمن های ارمنی تازه تاسیس. هفته ای یک بار جلسه می گذاشتیم و درباره تاریخ ادبیات ارمنی دوران معاصر صحبت می کردیم. به نوبت تحقیقی آماده می کردیم و آنجا می خواندیم. چندی بعد یک گروه ادبی از انجمنی دیگر به ما پیوست و شمار شرکت کنندگان به حدود بیست نفر رسید. در میان این گروه نوآمده کسی بود که به مرور با یکدیگر بیشتر آشنا شدیم و پس از مدتی ازدواج کردیم. سال ها گذشت و آن دوره و انجمن ادبی ما تبدیل به خاطره شد. اکنون گاه برخی از اعضای آن انجمن را می بینم و از آن روزها یاد می کنیم.

در پایان اگر مطلب یا صحبتی جا انداختم و مایلید اضافه کنید بفرمایید مشتاق هستیم بشنویم.



سپاسگزارم. به نظرم گفتگوی ما کمی طولانی شد. پرسش‌های خوبی مطرح کردید و من سعی کردم کمابیش به آن‌ها پاسخ دهم. دیگر عرضی ندارم و بار دیگر از شما و مسئولان مجله ادبی آنی برای این گفتگو تشکر می‌کنم.

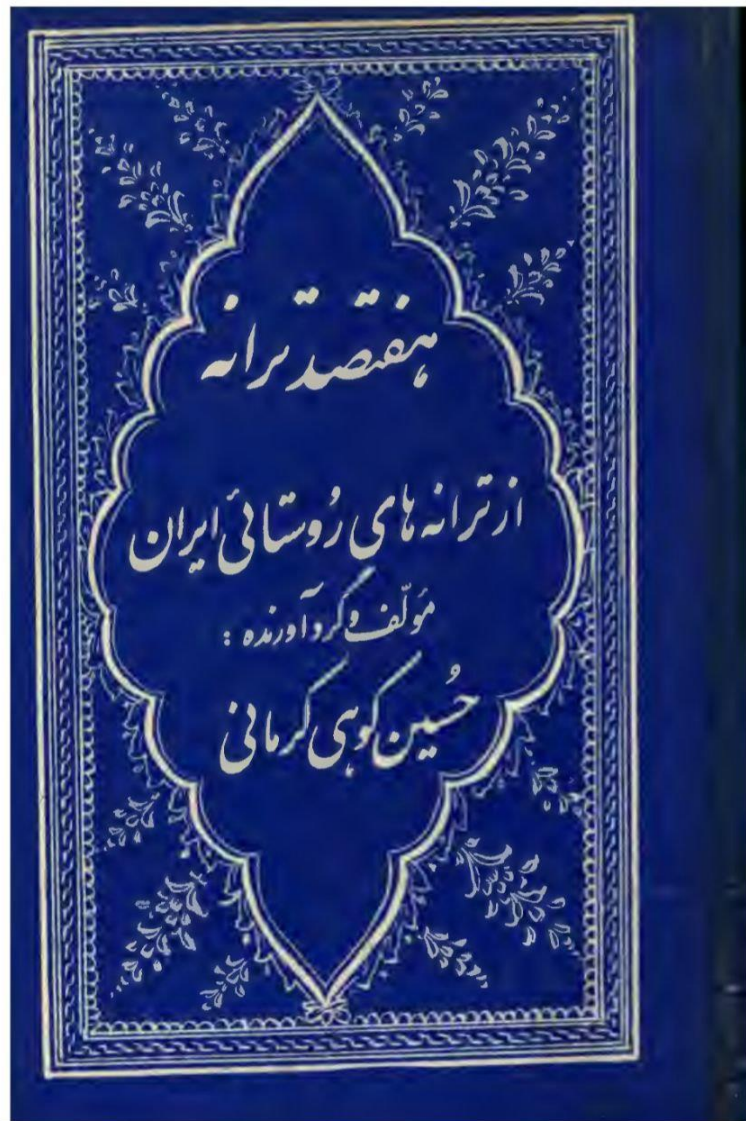
با نهایت سپاس از حضور شما استاد بزرگوار با
آرزوی سلامتی و بهروزی برای شما گرامی...

Never let your feelings get too deep.
People can change at any time.



«تکان دادن این درخت با
دست آسان نیست.
اما بادِ ناپیدا بر آن زور
می‌آورد و به هر سو که
خواهد می‌خماند اش.
دست های ناپیدا از همه
سخت‌تر بر ما زور می‌آورند
و ما را می‌خمانند.»

هر چهارشنبه ساعت 10
صبح منتشر میشود.



کوهی کرمانی 120 ترانه از از ترانه های محلی را، که از کوهستانیان و روستاییان کرمان شنیده بود، در آذر 1310، در رساله ای به نام ترانه های ملی، فلهویات، منتشر کرد. چاپ این ترانه ها در محافل ادبی شور افکند و در همان سال هنری ماسه، خاورشناس فرانسوی، آن ها را به فرانسوی و کریستین سن دانمارکی به زبان آلمانی ترجمه کرد و این ترانه ها سپس به روسی ترجمه شد. در سال 1326ش دونالد ویلبر، معاون موسسه "پوپ"، با هم کاری و هم راهی زین العابدین مومن، این ترانه ها را کلمه به کلمه به انگلیسی ترجمه کرد.

کوهی هفت سال بعد در سال 1317ش، مجموعه جدیدی از ترانه های روستایی به نام هفت صد ترانه را در تهران انتشار داد. وی این ترانه ها را از گوشه و کنار کشور گرد آوری و با حفظ مختصات لهجه های محلی، آن ها را به دقت یادداشت و در کتاب خود ملاحظاتی نیز به آن ها افزود. این مجموعه بسیار اهمیت داشت و به پیدایی علم فلک لور ملی ایران کمک بسیاری کرد.